

تحلیل وضعیت تعادل رقابتی لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران

علیرضا الهی*، سیدمهدی رسولی**، وحید ساعت‌چیان***

* استادیار دانشگاه خوارزمی

** دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه خوارزمی

*** دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه خوارزمی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۹/۹

چکیده

مبحث تعادل رقابتی برای مسابقات ورزشی توجه زیادی را در رشته اقتصاد ورزش به خود جلب کرده است. تعادل رقابتی به پیش‌بینی هواداران اطلاق می‌شود درباره اینکه کدام تیم برنده خواهد شد. در این مقاله روند وضعیت تعادل رقابتی لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران مورد مطالعه قرار گرفت. این رهیافت مؤید این موضوع خواهد بود که لیگ‌های ورزشی برای پویابودن و باقی ماندن در عرصه رقابت اقتصادی در ورزش، نیازمند سطح مطمئنی از تعادل رقابتی‌اند. بنابراین با استفاده از اطلاعات لیگ برتر ایران، برای دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۸۸ و بهره‌گیری از شاخص‌های تشخیص تعادل رقابتی در اقتصاد شامل (C5ICB) و (HICB) توزیع قدرت برآورد گردید. نتایج نشان داد، طی فصول گذشته مسابقات تعادل رقابتی در بین دوره‌های لیگ برتر رو به بهبود بوده است، به طوری که لیگ حرفه‌ای فوتبال طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ با روندی نزولی مواجه بوده که نشان‌دهنده پیش‌بینی ناپذیر بودن نتایج مسابقات است. براساس روند حاصل از شاخص‌های تعادل رقابتی مشاهده می‌شود لیگ فوتبال ایران در سال ۱۳۸۳ بدترین و در سال ۱۳۸۶ بهترین وضعیت تعادل رقابتی را بین دوره‌های لیگ برتر داشته است. در مجموع پیشنهاد می‌شود برای حفظ تعادل رقابتی لیگ‌های حرفه‌ای فوتبال، قوانین خاصی برای باشگاه‌ها بالاحص در زمینه نقل و انتقال بازیکنان تدوین گردد تا متعاقب آن صنعت فوتبال نیز نهایت بهره اقتصادی را از مزایای حاصل از درآمدزایی و حمایت مالی این وضعیت ببرد.

واژگان کلیدی: اقتصاد ورزشی، تعادل رقابتی، لیگ حرفه‌ای فوتبال، عدم اطمینان.

مقدمه

در عصر حاضر، ورزش به عنوان یک رشته اقتصادی، چه از بعد عملی و چه تماشایی، در تولید و مصرف کالا و خدمات ورزشی و توسعه اقتصادی جوامع مختلف نقش اساسی دارد و هم اکنون یکی از مؤثرترین عوامل اثرگذار در رشد اقتصاد ملی و یکی از درآمدزاترین صنایع در قرن ۲۱ به شمار می‌رود. در این صنعت محصولات و خدمات متعددی ارائه می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها رقابت‌های ورزشی فوتبال است (۱). فوتبال پرطرفدارترین و محبوب‌ترین ورزش در اغلب کشورها محسوب می‌شود، تا آنجا که بسیاری از کشورهای جهان آن را ورزش ملی خود قرار داده‌اند (۲). لبریزبودن ورزشگاه‌ها از تماشاگران در دیدارهای داخلی، ملی، قاره‌ای و جهانی و برخورداری رقابت‌ها از بینندگان چند میلیونی تلویزیونی، فوتبال را مردمی‌ترین ورزش جهان معرفی کرده است. در کشور ما نیز فوتبال رایج‌ترین و پرطرفدارترین ورزش است و در مقایسه با ورزش‌های دیگر بیشترین تعداد ورزشکار و طرفدار را به خود اختصاص داده است (۳).

از طرف دیگر، حضور تماشاچیان در ورزشگاه‌ها بسیار مهم است. حضور کثیر مشتاقان ورزش در مسابقات ورزشی و هواداران متعصب تیم‌ها باعث شده که فوتبال صنعتی پرطرفدار و پردرآمد شناخته شود (۵). از این رو تماشاچیان برای صاحبان رویدادهای ورزشی مهم‌ترین منبع درآمد به حساب می‌آیند. از دیدگاه ارزش اقتصادی هم حضور هواداران عامل تعیین‌کننده مهمی برای منابع درآمدی دیگر می‌گردد که به شکل مستقیم (از طریق بلیط‌فروشی) یا غیرمستقیم (از طریق فروش کالاهای مربوط به باشگاه، حامیان مالی و حتی فروش حق پخش تلویزیونی در برخی کشورها) منافع را شامل حال باشگاه‌ها می‌سازد (۶). با توجه به اینکه در بسیاری کشورها بحث درآمدزایی باشگاه‌ها و خودگردان کردن آن‌ها مطرح است، این موضوع خود عامل مهمی در جهت فراهم آوردن درآمد برای تیم‌ها به حساب می‌آید. از آنجا که کشور ما گام تازه‌ای به سمت خصوصی‌سازی برداشته بحث درآمدزایی اهمیت دوچندانی برای باشگاه‌ها دارد. در همین زمینه شناسایی عواملی که بیشترین تأثیر را بر حضور هواداران می‌گذارد به بازیابان ورزشی این امکان را داده تا راهبردهای بازاریابی مؤثری برای هدف قرار دادن هواداران مورد استفاده قرار دهند (۲).

هواداران تیم دلخواه خود را به همراه برنده شدن در شرایط عدم اطمینان می‌خواهند. اگر باشگاه‌های خوب همیشه باشگاه‌های رده‌پایین را شکست دهند، بیشتر مسابقات جنبه نمایشی خواهد داشت تا رقابتی و مبارزه‌ای. در این میان، اقتصاددانان اذعان داشتند که کل مسابقات ارزش بازار گرمی خواهند داشت. بنابراین در تمام انواع ورزش‌ها وجود حدی از عدم اطمینان رقابتی لازم و ضروری است (۱۱). دو میزیو^۱ (۲۰۱۰) نیز در این باره گفت عدم توانایی پیش‌بینی مسابقات فوتبال سری آ ایتالیا، تا ۹۰ درصد قصد تماشای بازی را برای تماشاچیان خانگی (از طریق تلویزیون) تبیین می‌کند. از طرف دیگر، تمایل بیشتر هواداران برای تماشای مسابقات بر منابع مختلف درآمدی صنعت فوتبال نظیر بلیط‌فروشی، حق پخش بازی‌ها، تبلیغات و حمایت مالی تأثیر بسزایی خواهد داشت (۱۶). با این حال، یکی از موضوعاتی که در چند سال اخیر توجه بسیاری از

^۱ Di Domizio

اقتصاددانان ورزش را به خود مبذول داشته است، مقوله تعادل رقابتی^۱ است. ژیمانسکی^۲ (۲۰۰۱) تعادل رقابتی را به پیش‌بینی هواداران درباره اینکه کدام تیم برنده خواهد شد اطلاق کند. در رقابت کاملاً متعادل، هر شرکت‌کننده با شانس برابر بازی را شروع می‌کند. بنابراین در مجموع نتیجه نهایی پیش‌بینی‌ناپذیر است. اگر تعادل رقابتی وجود نداشته باشد، نتیجه نهایی به نفع یک شرکت‌کننده پیش‌بینی‌پذیر خواهد بود (۸). اکثر اقتصاددانان ورزشی تعادل رقابتی را از این منظر مهم می‌دانند که مستقیماً با تمایل هواداران مرتبط است. به عبارت دیگر، هرچه رویداد ورزشی از تعادل رقابتی بهتری برخوردار باشد، تمایل بیشتری را به سوی خود جلب خواهد کرد (۸، ۹، ۱۰). برای مثال می‌توان یکی از مسابقات لیگ برتر ایران را مدنظر قرار داد. ممکن است قبل از مسابقه به هیچ‌وجه نتوان نتیجه نهایی را پیش‌بینی کرد و در وضعیتی متفاوت نتیجه نهایی مسابقه تقریباً قابل پیش‌بینی باشد. روشن است که هواداران و تماشاگران (تلویزیونی و حضوری) در وضعیت اول تمایل بیشتری برای دنبال کردن مسابقه خواهند داشت. وجود چنین تأثیراتی باعث شده است تا در سال‌های اخیر تحقیقات متعددی درباره تعادل رقابتی و تأثیرات آن انجام شود. براندس و فرانک^۳ (۲۰۰۶) در پژوهش خود تعادل رقابتی را عاملی اساسی برای افزایش تمایل هواداران نام می‌برند. بنابراین در تمامی انواع ورزش‌ها وجود حدی از عدم اطمینان رقابتی لازم و ضروری است (۱۱).

میچی و آگتون^۴ (۲۰۰۴) نیز با تحقیق درباره لیگ‌های فوتبال بیان می‌دارند که لیگ‌های ورزشی برای تداوم و پیشرفت اقتصادی، نیازمند حد معینی از تعادل رقابتی هستند. عدم تعادل رقابتی به منزله این است که تعداد تماشاگران کاهش یابد و لیگ در بلندمدت در معرض خطر از دست دادن هواداران قرار گیرد. آن‌ها در پژوهش خود دو تأثیر عمده عدم تعادل رقابتی در لیگ‌های حرفه‌ای فوتبال را بر شمرده‌اند که عبارت‌اند از: ۱. تهدید ورشکستگی برای باشگاه‌های پایین لیگ و ۲. ایجاد خلأ درآمدی زیاد بین باشگاه‌های شرکت‌کننده در لیگ (۱۲). بورلند و مک‌دونالد^۵ (۲۰۰۳) نیز با انجام مطالعاتی درباره تعادل رقابتی و تعداد تماشاگران مسابقات به این نتیجه دست یافتند که این دو موضوع ارتباط معنی‌دار و مثبتی با یکدیگر دارند (۱۳). آن‌ها در مطالعه خود سه نوع شاخص تعادل رقابتی را به نام‌های ۱. تعادل رقابتی یک مسابقه ۲. تعادل رقابتی یک فصل از مسابقات و ۳. تعادل رقابتی بلندمدت (در طی چند فصل متوالی) مطرح کردند. این محققان رابطه هریک از سه شاخص مذکور را با تعداد تماشاگران مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که هر سه مورد با میزان تماشاگران رابطه معنی‌داری دارد، ولی تعادل رقابتی یک فصل از مسابقات نسبت به دو شاخص دیگر رابطه قوی‌تری با تعداد تماشاگران دارد. آن‌ها بیان کرده‌اند که تعادل رقابتی فصل مسابقات، قدرت پیش‌بینی بهتری نسبت به دو شاخص دیگر دارد (۱۳). به هر حال در میان پژوهشگران اتفاق نظر وجود دارد که تعادل رقابتی یکی از عوامل تأثیرگذار بر مسائل درآمدی و اقتصادی لیگ‌های حرفه‌ای فوتبال است (۳، ۸، ۱۰، ۱۱).

¹ Competitive balance

² Szymanski

³ Brandes & Frank

⁴ Michie & Oughton

⁵ Borland & MacDonald

۱۲). برای نمونه، براندس و فرانک (۲۰۰۶) در تحقیق خود بیان می‌کنند که معمولاً لیگ‌های حرفه‌ای تمایل دارند به سوی عدم تعادل رقابتی پیش بروند. دلیل این موضوع این است که باشگاه‌های ثروتمند و دارای منابع مالی به طور روزافزون به دنبال بازیکنان برتر با قراردادهای مالی گران‌تر هستند. در عوض باشگاه‌های رده‌پایین کمتر قادر خواهند بود بازیکنان گران‌قیمت جذب کنند. رفته‌رفته تفاوت میان باشگاه‌ها و تعادل رقابتی آن‌ها بارزتر شده است و تعادل رقابتی لیگ کاهش می‌یابد. از نظر این پژوهشگران، شاخص تعادل رقابتی به همراه سایر عوامل اساسی چون انگیزه‌های تماشاگران، امکانات و تجهیزات، جذابیت مسابقه و غیره می‌تواند به منزله یک شاخص مهم پیش‌بینی‌کننده میزان تماشاگران (تلویزیونی و حضوری) مسابقات به حساب آید (۱۱). ساعت‌چیان و الهی (۱۳۸۸) نیز در تحقیق خود انگیزه هیجانی را از مهم‌ترین انگیزه‌های حضور تماشاگران در ورزشگاه برشمرده‌اند (۲). بدیهی است یکی از عوامل تأثیرگذار بر هیجان مسابقه عدم اطمینان آن است. بنابراین وجود میزان مناسبی از تعادل رقابتی را می‌توان عامل برانگیزاننده‌ای جهت پیش‌بینی حضور هواداران دانست. فلاحتی (۱۳۸۸) در مقایسه عوامل مؤثر بر حضور تماشاچیان دریافت که عوامل اقتصادی و تسهیلات، امکانات و تجهیزات ورزشگاهی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر حضور تماشاچیان در ورزشگاه است. اگر تماشاچی از کیفیت بازی تیم راضی باشد، به احتمال زیاد در مسابقات آینده آن تیم حضور می‌یابد (۵). از این رو تعادل رقابتی در کنار سایر عوامل تأثیرگذار می‌تواند به بهبود درآمدزایی باشگاه‌ها و لیگ‌های فوتبال و متعاقب آن رشد اقتصادی صنعت فوتبال کمک کند. الهی (۱۳۸۷) در تحقیق خود به بررسی موانع و راهکارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال ایران پرداخت. وی عدم تعادل رقابتی بهینه در لیگ حرفه‌ای فوتبال کشور را مانعی پیش‌روی توسعه هواداران و درآمدهای حاصل از آن در صنعت فوتبال کشور دانست. به‌طوری‌که وضعیت موجود مسابقات لیگ حرفه‌ای حاکی از دوقطبی بودن فوتبال کشور و توجه بیش از حد مدیریت ورزش و فوتبال ایران به دو باشگاه بزرگ پایتخت است (۳). در همین زمینه، صادقی، اصغرپور و گلچین‌فر (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان تخمین تابع تقاضای تماشا لیگ برتر فوتبال ایران به این نتیجه دست یافتند که متغیرهای فوتبالی و اقتصادی در تعیین تقاضای مسابقات مؤثرند. آن‌ها کاهش تعداد تماشاگران لیگ برتر را در اواخر فصل ناشی از اطمینان تیم‌های حاضر در لیگ از وضعیت خود عنوان کردند (۱).

در پژوهش‌های انجام‌شده در خارج کشور، لوین^۱ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای با عنوان تعادل رقابتی به‌عنوان پیش‌گوی حضور در ورزش به این نتیجه دست یافت که تعادل رقابتی و میانگین درآمد در بازار لیگ پیش‌بینی‌کننده‌های مهمی در تعداد هواداران بودند (۱۴). در همین زمینه سوئینگ^۲ (۲۰۰۸) در بررسی تعادل رقابتی و میزان حضور هواداران در لیگ برتر بیس‌بال طی سال‌های ۱۹۲۰ تا ۲۰۰۶ عنوان کرد که رابطه منفی بالایی بین تعادل رقابتی و سابقه تیم‌ها و میانگین حضور فصلی هواداران وجود دارد. بدین منظور که

^۱ Levin

^۲ Soebbing

هواداران هم به پیش‌بینی لیگ و هم به عملکرد تیم‌ها حساس بودند (۱۵). گورل و اورهان^۱ (۲۰۱۰) در پژوهش خود تحت عنوان تعادل رقابتی در لیگ حرفه‌ای بسکتبال ترکیه به این نتیجه دست یافتند که در ۱۹ دوره این مسابقات تعادل رقابتی از سطح مطلوب خود فاصله داشت، ولی به‌طور کل در طی زمان به تعادل مناسب نزدیک شده است (۱۷).

میچی و آگتون (۲۰۰۴) نیز با تحقیق درباره ۵ لیگ برتر فوتبال اروپا دریافتند که در لیگ فوتبال انگلیس طی سال‌های ۱۹۴۷ تا ۲۰۰۴، تعادل رقابتی در طی زمان کاهش چشمگیری داشته است. این اتفاق در لیگ‌های آلمان و ایتالیا نیز روی داده است. در فرانسه تا سال ۱۹۹۲ روند خاصی مشاهده نشد، اما پس از آن افزایش در شاخص‌ها مشاهده شد. همچنین لیگ اسپانیا، الگوی دایره‌وار با بهبود ناچیزی در تعادل رقابتی را بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۷۶ داشته از آن تاریخ به بعد میزان کاهش جزئی بود (۱۲).

بررسی اجمالی آمار و نتایج چهار لیگ برتر اروپا نیز نشان‌دهنده تعادل رقابتی پایین در این کشورها بود. به طوری که طی ۱۰ سال گذشته در ایتالیا تنها ۳ تیم قهرمان شده‌اند (اینترا ۵، رم ۲ و یوونتوس ۳ بار)، در فرانسه ۴ تیم (لیون ۷، مارسلی ۱، بوردو ۱ و نانسی ۱ بار)، در لیگ اسپانیا ۳ تیم (رئال مادرید ۴، بارسلونا ۴، والنسیا ۲ بار)، در انگلستان ۳ تیم (منچستر یونایتد ۵، چلسی ۳ و آرسنال ۲ بار) و در نهایت در لیگ آلمان ۴ تیم (بایرن مونیخ ۶، دورتمند ۲، اشتوتگارد ۱، وولفسبورگ ۱ بار) به مقام قهرمانی لیگ دست یافته‌اند (۱۸). (۱۹)

مروری بر ادبیات موضوع تعادل رقابتی مبین آن است که روش‌های متعددی برای محاسبه شاخص تعادل رقابتی پیشنهاد شده است. فرمول‌های پیشنهادی محققان مختلف به صورتی است که با در نظر داشتن جدول امتیازات کلیه باشگاه‌های لیگ می‌توان این شاخص را محاسبه کرد (۱۲). با توجه به مطالب ذکرشده روشن است که وجود تعادل رقابتی در هر لیگ ورزشی ضروری است تا با حفظ هیجان مسابقات منجر به استقبال بیشتر تماشاچیان و در نتیجه افزایش درآمد باشگاه‌ها گردد. پس می‌توان گفت آگاهی از این عامل و کنترل آن برای مدیران باشگاه‌ها، مسئولان فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ ضروری است. از این‌رو هدف این مطالعه تحلیل وضعیت تعادل رقابتی لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران از آغاز تاکنون است.

روش‌شناسی

روش انجام این مطالعه توصیفی بود. داده‌های مورد نیاز مطالعه از بخش آمار و اطلاعات سازمان لیگ حرفه‌ای فوتبال دریافت شد (۱۹). در این زمینه جداول مسابقات لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران که شامل تعداد تیم‌ها، امتیازات و تعداد بردو باخت تیم‌های حاضر در لیگ حرفه‌ای فوتبال بود جمع‌آوری شد.

¹ Gurel & Orhan

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از جدول لیگ برتر با استفاده از شاخص‌های تعیین تعادل رقابتی لیگ‌های ورزشی استخراج شده از ادبیات و تحقیقات پژوهش انجام پذیرفت (۱۲). این شاخص‌ها شامل $C5^1$ ، $C5ICB^2$ ، HI^3 ، $HICB^4$ بود که در ادامه مفهوم و نحوه محاسبه شاخص‌های مذکور ذکر می‌شود. شاخص $C5$: در این شاخص که به حکمرانی تیم‌های برتر در طی چند دوره می‌پردازد، نابرابری پنج تیم برتر لیگ در مقایسه با سایر تیم‌ها محاسبه می‌شود. هرچه این شاخص بزرگ‌تر شود، تعادل رقابتی کمتر و حاکمیت پنج تیم اول بیشتر است (۱۲).

$$C5 = \frac{\text{کل امتیازات گرفته شده توسط 5 تیم برتر}}{\text{کل امتیازات گرفته شده توسط تمامی تیم‌ها}} \times 100$$

$C5ICB$: برای اینکه تعادل رقابتی را در دوره‌های مختلفی، که لیگ از لحاظ تعداد تیم‌ها تفاوت دارد، بتوان مقایسه کرد، باید نسبت $C5$ را با یک مدل ایده‌آل که در لیگ متعادل وجود دارد، مقایسه کنیم. شاخص $C5ICB$ نمونه تعدیل شده شاخص $C5$ بود که به تعداد تیم‌ها حساسیت ندارد (۱۲).

$$C5ICB = \frac{C5}{5/N} \times 100$$

شاخص هرفریندال (H): از آنجا که شاخص $C5$ تنها نابرابری را بین ۵ تیم اول و سایر تیم‌ها بررسی می‌کند و به عدم تعادل در بین همان ۵ تیم و سایر تیم‌ها نمی‌پردازد، شاخص هرفریندال ارائه شد که به بیان نابرابری بین تمامی تیم‌های حاضر در لیگ می‌پردازد (۱۲).

$$H = (\text{مجموع سهم امتیازات هر باشگاه در یک فصل}) \text{ (هرفریندال)}$$

$HICB$: از آنجا که شاخص H (هرفریندال) به تفاوت در تعداد تیم‌های لیگ حساس است، شاخص تعدیل شده $HICB$ مورد استفاده قرار می‌گیرد که با توجه به فرمول آن می‌توان لیگ‌هایی با تعداد تیم‌های مختلف را مقایسه کرد (۱۲).

$$HICB = \frac{H}{1/N} \times 100$$

گفتنی است هرچه مقدار شاخص‌های فوق کمتر باشد، وضعیت لیگ از لحاظ تعادل رقابتی بهتر است (۱۲).

¹ the Five Club Concentration Ratio

² the C 5 Index of Competitive Balance

³ the Herfindahl Index

⁴ the Herfindahl Index of Competitive Balance

یافته‌ها

جدول ۱. امتیازات و رتبه‌های باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران در طی ۹ دوره از برگزاری مسابقات

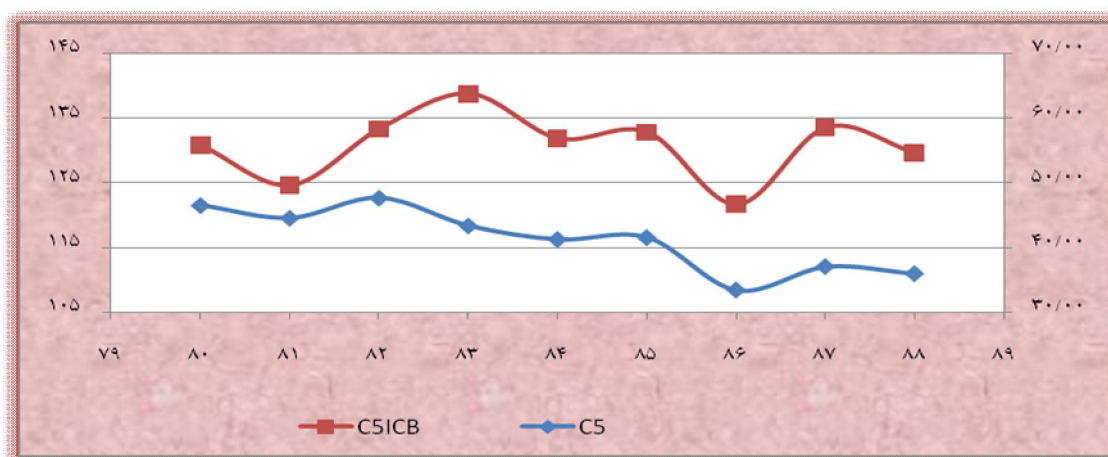
رتبه	سال‌ها	۱۳۸۰		۱۳۸۱		۱۳۸۲		۱۳۸۳		۱۳۸۴		۱۳۸۵		۱۳۸۶		۱۳۸۷		۱۳۸۸	
		R	P	R	P	R	P	R	P	R	P	R	P	R	P	R	P	R	P
۱	باشگاه‌ها																		
۲	ابومسلم	۴۰	۵	۲۶	۱۲	۲۹	۱۰	۳۸	۸	۴۶	۵	۴۳	۶	۵۰	۴	۳۵	۱۵	۳۲	۱۷
۳	استقلال تهران	۴۸	۲	۳۲	۹	۵۱	۲	۵۸	۳	۵۹	۱	۵۲	۴	۴۳	۱۳	۶۶	۱	۵۹	۳
۴	استقلال اهواز			۲۸	۱۱	۳۱	۷	۴۴	۵	۳۵	۱۲	۵۴	۲	۴۶	۸	۳۷	۱۰	۳۰	۱۸
۵	استقلال رشت	۱۶	۱۳							۲۸	۱۴								
۶	استیل آذین																	۵۲	۵
۷	برق شیراز	۳۷	۸	۳۲	۱۰	۲۴	۱۲	۳۳	۱۲							۲۴	۱۸		
۸	پاس	۴۳	۴	۴۵	۲	۵۳	۱	۴۲	۶	۵۸	۲	۳۴	۱۰	۴۹	۵	۴۰	۱۲	۳۸	۱۵
۹	پگاه گیلان					۳۰	۹	۲۰	۱۶							۳۱	۱۷		
۱۰	پیام مشهد															۳۵	۱۶		
۱۱	پیروزی تهران	۴۲	۱	۴۴	۳	۳	۵	۵۵	۴	۳۸	۹	۵۳	۳	۵۹	۱	۵۵	۵	۵۳	۴
۱۲	پیکان	۳۹	۷	۳۷	۵	۳۰	۸	۲۴	۱۵					۴۱	۷	۴۶	۹	۴۷	۱۱
۱۳	تراکتور سازی	۱۵	۱۴															۴۷	۷
۱۴	ذوب آهن	۳۹	۶	۳۴	۸	۴۰	۴	۵۸	۲	۴۵	۶	۳۹	۸	۴۸	۶	۶۶	۲	۶۱	۲
۱۵	راه آهن									۳۴	۱۳	۲۰	۱۶	۴۴	۱۲	۴۱	۱۱	۳۸	۱۴
۱۶	سایپا	۳۷	۱۱	۳۵	۶	۲۱	۱۳	۳۱	۱۳	۵۲	۳	۵۶	۱	۴۵	۱۱	۴۲	۱۰	۴۶	۸
۱۷	سپاهان	۳۲	۹	۵۲	۱	۳۹	۶	۳۵	۱۰	۴۳	۷	۴۹	۵	۵۸	۲	۵۶	۴	۶۷	۱
۱۸	شاهین بوشهر																	۳۹	۱۳
۱۹	شموشک نوشهر					۲۰	۱۴	۳۱	۱۴	۲۳	۱۵								
۲۰	شیرین فراز														۲۱	۱۸			
۲۱	شهید قندی									۱۹	۱۶								
۲۲	صبا باطری							۳۵	۹	۵۰	۴	۳۲	۱۳	۵۲	۳	۵۳	۶	۴۸	۶
۲۳	صنعت نفت			۲۶	۱۳										۳۵	۱۷			
۲۴	فجرسپاسی	۲۷	۱۰	۴۱	۴	۲۹	۱۱	۳۵	۱۱	۳۶	۱۰	۳۴	۱۱	۴۲	۱۴	۴۴	۹	۳۷	۱۶
۲۵	فولاد	۴۵	۳	۳۴	۷	۴۷	۳	۶۴	۱	۴۱	۸	۲۸	۱۵			۵۰	۷	۴۲	۱۰
۲۶	ملوان	۲۷	۱۲	۲۶	۱۴			۴۱	۷	۳۶	۱۱	۳۲	۱۴	۳۶	۱۶	۴۰	۱۳	۴۱	۱۲
۲۷	مس کرمان														۳۶	۹	۴۵	۱۰	۹
رتبه‌های تیم‌ها=R امتیازات تیم‌ها=P																			

R=رتبه‌های تیم‌ها P=امتیازات تیم‌ها

جدول ۱ داده‌های مربوط به امتیازات و رتبه‌های تیم‌های حاضر در لیگ برتر فوتبال ایران را طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۸۸ نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود طی ۹ دوره برگزاری مسابقات، در ابتدای شروع لیگ (سال‌های ۱۳۸۰ - ۱۳۸۲)، تعداد تیم‌های حاضر در لیگ برتر ۱۴ تیم بوده، در سال ۱۳۸۳ به ۱۶ تیم و در سال ۱۳۸۶ به تعداد ۱۸ تیم رسیده است. در ادامه، تعادل رقابتی لیگ برتر فوتبال ایران با توجه به شاخص‌های اشاره‌شده برای ۹ دوره محاسبه شد که نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. محاسبه ۴ شاخص تعادل رقابتی لیگ برتر فوتبال ایران در ۹ دوره گذشته

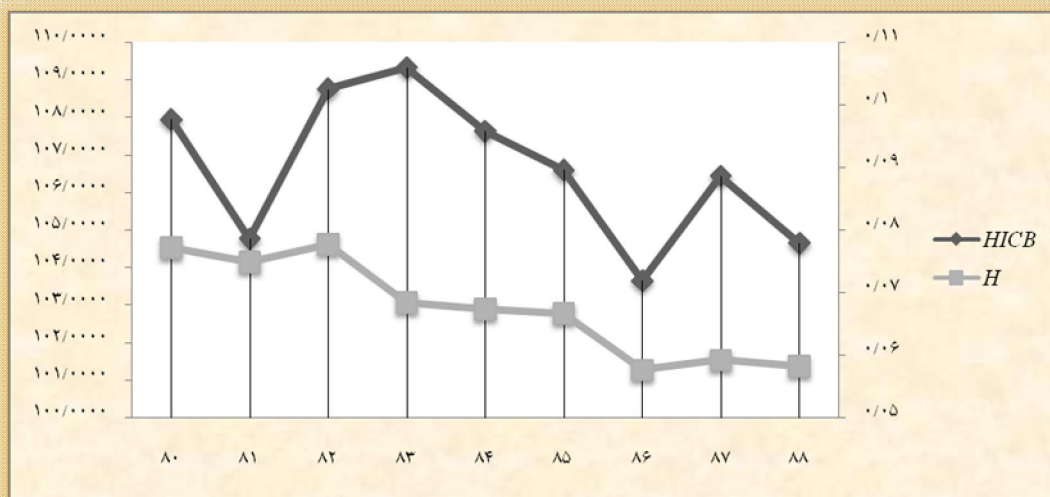
شاخص سال	H	HICB	C5	C5ICB
۱۳۸۰	۰/۰۷۷۰۹۷	۱۰۷/۹۳۵۷	۴۶/۴۸	۱۳۰/۸۱
۱۳۸۱	۰/۰۷۴۸۲۳	۱۰۴/۷۵۲۵	۴۴/۵۱	۱۲۴/۶۴
۱۳۸۲	۰/۰۷۶۶۷۶	۱۰۸/۷۴۶۷	۴۷/۶۲	۱۳۳/۳۵
۱۳۸۳	۰/۰۶۸۳۲۳	۱۰۹/۳۱۶۸	۴۳/۳۲	۱۳۸/۷۸
۱۳۸۴	۰/۰۶۷۲۶۶	۱۰۷/۶۲۵۴	۴۱/۲۱	۱۳۱/۸۷
۱۳۸۵	۰/۰۶۶۶۱۶	۱۰۶/۵۸۶۰	۴۱/۵۰	۱۳۲/۸۳
۱۳۸۶	۰/۰۵۷۵۷۵	۱۰۳/۶۳۵۳	۳۳/۳۷	۱۲۱/۶۶
۱۳۸۷	۰/۰۵۹۱۲۸	۱۰۶/۴۳۰۱	۳۷/۰۰	۱۳۳/۵۷
۱۳۸۸	۰/۰۵۸۱۳۴	۱۰۴/۶۴۱۸	۳۵/۹۰	۱۲۹/۶



شکل ۱. روند تعادل رقابتی بر حسب دو شاخص C5, C5ICB

در شکل ۱، اعداد سمت چپ مربوط به شاخص C5ICB و اعداد سمت راست مربوط به C5 است. هرچه مقدار شاخص C5 و C5ICB کمتر باشد، وضعیت لیگ از لحاظ تعادل رقابتی بهتر است (۱۲). روند منحنی C5 نشان می‌دهد که با گذشت زمان تعادل رقابتی در بین دوره‌های لیگ برتر، رو به بهبود است. به‌طوری‌که مشخصاً تعادل رقابتی لیگ طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ با روندی نزولی مواجه بوده است. براساس

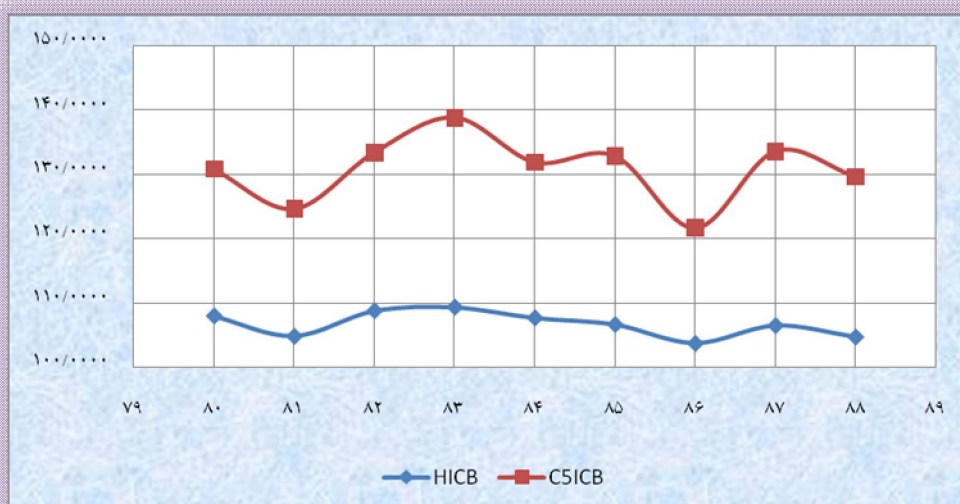
منحنی حاصل از C5ICB که تعادل رقابتی در سال ۱۳۸۳ ضعیف‌ترین و ۱۳۸۶ بهترین وضعیت را بین دوره‌های لیگ برتر داشته است.



شکل ۲. مقایسه روند تعادل رقابتی بر حسب دو شاخص H, HICB

در شکل ۲ ستون سمت راست مربوط به شاخص H و ستون سمت چپ مربوط به شاخص HICB است. براساس این شکل، منحنی H روندی نزولی را نشان می‌دهد، به طوری که در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ کاهش تعادل رقابتی را به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

با توجه به شکل روند نزولی منحنی HICB از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ بیان می‌دارد که تعادل رقابتی لیگ طی این دوره کاهش محسوسی داشته است و به طور کلی می‌توان مطرح کرد که از آغاز لیگ برتر تا کنون بجز سال ۱۳۸۷ فوتبال ایران با بهبود وضعیت تعادل رقابتی مواجه بوده است.



نمودار ۱. مقایسه روند تعادل رقابتی بر حسب دو شاخص HICB و C5ICB

از آنجا که دو شاخص HICB و C5ICB هردو به مثابه شاخص های تعادل رقابتی به کار می روند، مقایسه دو منحنی HICB و C5ICB نشان دهنده روند تقریباً یکسانی است (نمودار ۱). به طوری که در سال ۱۳۸۳ لیگ فوتبال با بالاترین میزان عدم تعادل روبه رو بوده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی مقاله تحلیل وضعیت تعادل رقابتی لیگ حرفه ای فوتبال ایران طی ۹ دوره (سال های ۱۳۸۹-۱۳۸۰) برگزاری این مسابقات بوده است. برای این منظور ضمن بررسی تاریخچه جدول لیگ برتر ایران، برخی مطالعات انجام شده، با بهره گیری از نتایج آن ها و شاخص های آماری تعادل رقابتی مرور شد و وضعیت تعادل رقابتی ادوار گذشته لیگ برتر مورد محاسبه قرار گرفت.

بر پایه نتایج حاصل از نمودار ۱ در بررسی منحنی C5 نکته حائز اهمیت این است که تعداد تیم های حاضر در لیگ برتر فوتبال ایران در سال ۱۳۸۳ از ۱۴ تیم به ۱۶ تیم و در سال ۱۳۸۶ به ۱۸ تیم افزایش یافته است. با وجود اینکه شاخص C5 در تعیین تعادل رقابتی و حکمرانی پنج تیم بالای جدول نسبت به سایر تیم ها شاخص مناسبی است، با در نظر گرفتن فرمول محاسبه C5 مشاهده می شود که برای مقایسه دوره های لیگ با تعداد تیم های نابرابر استفاده از آن مناسب نیست. برای بررسی روند تعادل رقابتی در تمامی لیگ ها شاخص C5ICB مورد استفاده قرار می گیرد. بر اساس شاخص C5ICB تعادل رقابتی در سال های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶ نسبت به سایر دوره ها در بهترین وضعیت خود قرار گرفته و تیم های لیگ برتر از لحاظ جمع آوری امتیازات در شرایط متعادل تری قرار داشتند. لیگ برتر از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۳ با روندی افزایشی مواجه شده که منجر به کاهش تعادل رقابتی این روند در ادامه تا سال ۱۳۸۶ با سیر نزولی همراه بوده است که در نتیجه منجر به بهبود وضعیت تعادل رقابتی گردیده است. بر اساس این نمودار، سال ۱۳۸۳ بدترین دوره و سال ۱۳۸۶ بهترین دوره از لحاظ تعادل رقابتی بین دوره های لیگ برتر بوده است. از طرف دیگر، بررسی جدول ۱ نشان می دهد که در بین ۹ دوره برگزاری لیگ برتر فوتبال، شش تیم مختلف توانسته اند به مقام قهرمانی دست یابند که این موضوع نیز تأییدی بر نتایج حاصل از تعادل رقابتی در جهت استفاده از شاخص C5ICB است. زیرا حکمرانی تیم های برتر لیگ را در درازمدت نشان می دهد. این یافته با نتایج تحقیق الهی (۱۳۸۷) همخوانی ندارد. به طوری که هریک از دو تیم معروف پایتخت (استقلال و پیروزی) طی ۹ دوره برگزاری مسابقات تنها توانسته به ۲ قهرمانی دست پیدا کند. با مقایسه لیگ برتر ایران با لیگ های برتر فوتبال جهان مشاهده می شود که لیگ ایران از حیث حکمرانی بلندمدت تیم ها و به طور مشخص وضعیت تعادل رقابتی در شرایط بهتری قرار دارد. به طوری که در لیگ های معتبر جهان مانند انگلستان، فرانسه، آلمان، اسپانیا و ایتالیا حکمرانی بلندمدت در اختیار تعداد اندکی از تیم ها است (۱۸، ۱۹).

با توجه به نمودار ۲، برای تفسیر منحنی H باید در نظر داشت که بررسی روند تعادل رقابتی این منحنی همانند شاخص C5، باید در محدوده هایی که تعداد تیم های لیگ برابر بوده اند، مورد بررسی قرار بگیرد. زیرا

این شاخص نیز به تعداد تیم‌ها حساس است. نتایج پژوهش‌های صورت گرفته به منظور استاندارد کردن شاخص H و بررسی روند تعادل رقابتی در جهت مقایسه کلیه دوره‌های لیگ با تعداد تیم‌های نابرابر استفاده از شاخص HICB را مناسب گزارش کرده‌اند (۱۲). دلیل این موضوع این است که این شاخص علاوه بر اینکه به تعداد تیم‌ها حساس نیست، تعادل رقابتی را در بین تمامی تیم‌های حاضر در لیگ نشان می‌دهد. بنابراین بر اساس منحنی HICB به طور کل می‌توان مطرح کرد که از آغاز لیگ برتر تاکنون، فوتبال ایران با بهبود وضعیت تعادل رقابتی مواجه بوده است. این امر منجر به نزدیک شدن توان تیم‌ها شده و در نتیجه توانایی پیش‌بینی نتایج مسابقات را دشوارتر کرده است. به طوری که نمی‌توان تیمی را از پیش برنده مسابقه یا قهرمان لیگ دانست. در این راستا، گورل و او رها (۲۰۱۰) این روند را در لیگ برتر بسکتبال ترکیه یافتند و میچی و آگتون (۲۰۰۴) نیز کاهش تعادل رقابتی را در لیگ‌های انگلیس، آلمان، و ایتالیا گزارش کردند، ولی در فرانسه و اسپانیا روند مشخصی را مشاهده نکردند (۱۷، ۱۲).

از جمله عوامل کاهش تعادل رقابتی لیگ‌ها را می‌توان برقراری سیاست‌ها و مقررات از سوی سازمان لیگ عنوان کرد. این مقررات در زمینه‌های تقسیم عادلانه درآمدهای لیگ حاصل از بلیط‌فروشی، حق پخش رسانه‌ای و محدودیت پرداخت دستمزد برقرار می‌گردد تا امکان رشد برای باشگاه‌های ضعیف‌تر نیز فراهم شود. با این حال، علت تفاوت تعادل رقابتی لیگ ایران با لیگ‌های معتبر جهان و عدم تعادل رقابتی در این کشورها با وجود برقراری سیاست‌های عنوان شده را می‌توان بدین گونه توجیه کرد که تیم‌های برتر لیگ‌های معتبر جهان با شرکت در مسابقات اروپایی مانند لیگ قهرمانان و لیگ اروپا درآمدهای بیشتری کسب می‌کنند و به علت حضور در این میادین حامیان بیشتری به سمت آن‌ها جذب می‌شوند. در نتیجه تفاوت درآمدهای آن‌ها با سایر تیم‌های لیگ کشورشان بیشتر شده و برتری خود را در درازمدت حفظ می‌کنند، ولی در کشور ایران به علت کم بودن درآمد تمامی تیم‌ها و وابسته به دولت بودن اکثر تیم‌های لیگ برتر از یک سو و سیاست‌های سازمان لیگ مبنی بر تقسیم حق پخش تلویزیونی، درآمد تبلیغات اطراف زمین و بلیط‌فروشی بین تمام تیم‌ها، تعیین سقف دستمزد بازیکنان و تعیین سقف بازیکنان خارجی در تیم‌ها فاصله درآمدهای بین تیم‌ها اندک است و این امر منجر به توانایی خرید تقریباً مساوی بازیکنان و مربیان در بین تیم‌ها می‌گردد. این موضوع را براندس و فرانک (۲۰۰۶) نیز در تحقیق خود اشاره کرده‌اند.

در مقایسه دو منحنی HICB، C5ICB (نمودار ۳)، می‌توان مشاهده کرد، با وجود اینکه در سال ۱۳۸۳ عدم تعادل نسبت به سال قبل کمی افزایش داشته است (منحنی HICB)، میزان بالایی از عدم تعادل در منحنی C5ICB مشاهده می‌شود. این پدیده را بدین گونه می‌توان توجیه کرد که در این دوره (سال ۱۳۸۳) میزان امتیازات کسب شده توسط پنج تیم اول لیگ برتر بسیار بالا بوده است که به بیان دیگر، تیم‌های حکمران لیگ اختلاف امتیاز زیادی نسبت به سایر تیم‌ها داشته‌اند که منجر به ایجاد عدم تعادل بالا شده‌اند.

در مقایسه این دو شاخص عدم تشابه روند را می‌توان بین سال‌های ۸۵-۸۴ نیز مشاهده کرد. با وجود اینکه در سال ۱۳۸۵ کاهش تعادل رقابتی کل لیگ نسبت به سال قبل مشاهده می‌شود، میزان C5ICB نسبت به

سال ۱۳۸۴ افزایش یافته است. علت این پدیده این است که پنج تیم اول لیگ در سال ۱۳۸۵ امتیازات بیشتری نسبت به پنج تیم اول سال ۱۳۸۴ کسب کرده‌اند که در نتیجه عدم تعادل را بین خود و سایر تیم‌ها به وجود آورده‌اند، ولی به طور کل و با در نظر گرفتن امتیازات تمامی تیم‌ها (HICB) مشاهده می‌شود که لیگ در سال ۱۳۸۵ از وضعیت تعادل کلی بهتری نسبت به سال ۱۳۸۴ برخوردار بوده است.

در نهایت می‌توان گفت لیگ برتر فوتبال ایران در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۱ به ترتیب بهترین حالت تعادل رقابتی را داشته‌اند. طبق نمودار ۳ در این سال‌ها پنج تیم اول لیگ نیز میانگین امتیازات کمتری نسبت به سایر دوره‌ها کسب کرده‌اند و نتایج حاصل از هر دو شاخص HICB و C5ICB بر این موضوع صحنه می‌گذارد. همان‌طور که عنوان شد، تعادل رقابتی در لیگ برتر فوتبال ایران به‌طور نسبی رو به بهبود است که این موضوع با یافته‌های براندس و فرانک (۲۰۰۶) همسو نیست. آن‌ها عنوان کردند که لیگ‌های حرفه‌ای تمایل دارند به سمت بی‌تعادلی پیش بروند. علت این امر را از طرفی می‌توان به فقدان برنامه‌ها و سیاست‌های مالی مناسب باشگاه‌های بزرگ ایران مانند استقلال و پیروزی، سپاهان و ذوب آهن و وابسته بودن به بودجه دولتی دانست که در نتیجه این باشگاه‌ها اغلب با کمبود بودجه مواجه می‌شوند. این در حالی است که باشگاه‌های مذکور از حمایت چشمگیر طرفداران خود برخوردار هستند، به‌طوری‌که که در سال گذشته دو تیم پیروزی و استقلال پرهوادارترین تیم‌های آسیا مطرح شدند. از آنجا که تماشاگران از جمله منابع درآمدزایی باشگاه‌ها به حساب می‌آیند، عدم تدوین برنامه‌های مناسب از جانب مدیران این باشگاه‌ها منجر به از دست دادن این سرمایه‌های بالقوه می‌شود. از طرف دیگر انتظارات بالای تماشاگران از باشگاه در جهت موفقیت تیم، مدیران باشگاه را ملزم به خرید بازیکنان و مربیان و گران‌قیمت کرده که این امر با افزایش بدهی‌های باشگاه منجر به بروز مشکلات بیشتر برای آن‌ها می‌گردد. می‌توان سیاست‌های حاکم سازمان لیگ بر فوتبال ایران را دلیلی دیگر بر بهبود وضعیت تعادل رقابتی عنوان کرد. نمونه‌ای از این سیاست‌ها برقراری سقف قرارداد بازیکنان است که در صورت نظارت صحیح بر اجرای آن، توان رقابتی باشگاه‌ها را به توازن نسبی می‌رساند. نمونه‌ای از برقراری این معیارها را می‌توان در لیگ‌های مختلف حرفه‌ای فوتبال مانند لیگ حرفه‌ای فوتبال ژاپن مشاهده کرد (۳).

با این حال، روند روبه‌رشد میانگین تماشاگران فوتبال در ایران مبین این موضوع بوده است که وجود تعادل رقابتی و عدم توانایی پیش‌بینی مسابقات با حس کنجکاوی تماشاگر مرتبط است و منجر به حضور بیشتر تماشاگران چه به صورت حضور در استادیوم‌ها و چه از طریق تلویزیون می‌شود که در نهایت منجر به درآمدزایی بیشتر برای لیگ و تیم‌های حاضر در آن می‌گردد (۲، ۴، ۱۶).

با توجه به مطالب بیان‌شده، پیشنهاد می‌شود برای حفظ تعادل رقابتی لیگ‌های حرفه‌ای فوتبال قوانین خاصی برای باشگاه‌ها بالاخص در زمینه نقل و انتقال بازیکنان تدوین گردد. وضع چنین مقرراتی باعث خواهد شد تا باشگاه نتواند با جمع‌آوری تعداد زیادی بازیکنان گران‌قیمت و نخبه در تیم خود، تعادل رقابتی لیگ را برهم بزند. ایجاد این تفکر در سازمان لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران را می‌توان راهی در جهت توسعه هواداران و

درآمدهای حاصل از آن‌ها در صنعت فوتبال کشور دانست. بدیهی است اجرای صحیح سیاست‌های تدوین‌شده نیازمند نظارت و کنترل مداوم باشگاه‌ها و برقراری مجازات‌هایی برای باشگاه‌های متخلف است. نتایج تحقیقات نشان داده‌اند فقدان تعادل رقابتی بهینه و برخورداری بعضی باشگاه‌ها از امکانات و تسهیلات ویژه دولتی باعث ایجاد خلأ درآمدی زیاد بین باشگاه‌های شرکت‌کننده می‌شود و این موضوع تهدیدی در جهت ورشکستگی باشگاه‌های رده‌پایین لیگ است، لذا ضروری است تا جهت حفظ تعادل رقابتی بهینه در بین باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال حمایت‌های مالی و تسهیلاتی برای باشگاه‌هایی اعمال شود که از لحاظ مالی و امکاناتی در وضعیت ضعیفی‌تری قرار دارند. این تفکر منجر به افزایش قدرت تیم‌های مذکور می‌شود و در نهایت لیگ پویاتری حاصل می‌گردد. متعاقب آن صنعت فوتبال نیز نهایت بهره اقتصادی را از این وضعیت خواهد برد.

منابع

- ۱- صادقی، حسین. اصغرپور، حسین. گلچین فر، نازلی (۱۳۸۸) تخمین تابع تقاضای تماشای لیگ برتر فوتبال ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره سوم، ص ص: ۱۸۳-۲۰۲.
- ۲- ساعت‌چیان، وحید، الهی، علیرضا. (۱۳۸۹). اولویت بندی و شناخت ارتباط بین انگیزه‌ها و عوامل موثر بر حضور هواداران: مطالعه موردی شهر آورد تهران، نشریه مطالعات مدیریت ورزشی پژوهشکده تربیت بدنی، تابستان ۹۰، تهران.
- ۳- الهی، علیرضا. (۱۳۸۷). موانع و راه کارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال ایران. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- ۴- ساعت‌چیان، وحید، رسولی، مهدی، الهی، علیرضا. (۱۳۸۹). نیمرخ انگیزشی هواداران لیگ حرفه ای فوتبال ایران. چکیده مقالات یازدهمین همایش بین المللی تربیت بدنی و علوم ورزشی. ترکیه.
- ۵- فلاحي، احمد. (۱۳۸۸). مقایسه عوامل موثر بر حضور تماشاچیان گاهگاهی، منظم و متعصب در مسابقات لیگ برتر فوتبال. نشریه حرکت، شماره ۲، ص ص: ۲۴۷-۲۷۰.
- 6- Bauer, H. H. Sauer, N. E. Exler, S. (2008). Brand Image and Fan Loyalty in Professional Team Sport: A Refined Model and Empirical Assessment. *Journal of Sport Management*, 22:205-226.
- 7- Neale, L. Funk, D. (2006) "Investigating motivation, attitudinal loyalty and attendance behavior with fans of Australian Football". *International Journal of Sports Marketing & Sponsorship*. Vol.7, Issue 4, P: 307-317.
- 8- Szymanski, S (2001) , Income inequality, competitive balance and the attractiveness of team sports : some evidence and a natural experiment from English soccer , *The Economic Journal* , 111, 69-84.
- 9- Forrest. D & Simmons .R (2002) , Outcome uncertainty and attendance demand in sport : The case of English soccer , *The Statistician*, 51(2), 229-241.
- 10- Angelo.C& Fabio ,A(2003), Economics of sports : The market structure of football players and the competitive balance among the teams before and after the Bosman Ruling , Working Paper No.38 , <http://econpapers.respec.org>.
- 11- Brandes.L&Frank . E (2006) , How fans improve competitive balance : an empirical analysis of the German Bundesliga , University of Zurich , Institute for strategy and business economics, Working paper No.41 , <http://econpapers.respec.org>.
- 12- Michie.J&Oughton.C (2004) , Competitive balance in football : Trends and effects, University of Landon, Football Governance Research Centre, research paper 2004 no.2, www.football-research.bbk.ac.uk.
- 13- Borland, J., & MacDonald, R., (2003) , Demand for sport , *Oxford Review of Economic Policy*, 19 (4), 478-502.
- 14- Levin,M. (2006), the value of competition: competitive balance as predictor of attendance in spectator sports, s. *International Journal of Sports Marketing & Sponsorships*. October. 7-24.
- 15- Soebbing, B. (2008) Competitive balance and attendance in majir league baseball: an empirical test of the uncertainty of outcome hypothesis. *International journal of sport finance*.
- 16- Di Domizio, M, (2010) Competitive Balance and TV Audience: An Empirical Analysis from Italian Football League. ABSTRACT BOOK of 10 th Annual International Conference on Sports :Economic, Management, Marketing & Social Aspects: Athens, Greece.
- 17- Gurel. C. Orhan, K (2010) competitive balance in the Turkish first division basketball league. 11 th Annual International Conference on Sports: Antalya, Turkey.
- 18- <http://www.premierleague.com/page/LeagueTables/0,,12306,00.html>, 2010/01/20.
- 19- http://soccernet.espn.go.com/tables/_/league, 2010/01/20.

Estimation of Competitive Balance in Iran's Football Pro League

Elahi, A. R., (Ph.D.) Kharazmi University
Rasooli, M., Ph.D. Student, Kharazmi University
Saatchian, V., Ph.D. Student, Kharazmi University

Abstract

Nowadays the subject of competitive balance in sport events is getting huge attention in world economic science. CB in sport means what team will win in a competition. In this research the status of CB in Iran's football pro league is studied. It's obvious that if Football league in terms of economic is supposed to be dynamic and alive in economic area, they must follow a suitable of CB. Data gathering from Iran's football league organization for 1380-1388 and using economic indices include, (C5ICB) and (HICB), CB was estimated. Results showed that CB has been passing through an improvement road. Indices decline shows unpredictability of matches results. Also Iran's football league had the worst CB in 1383 and the best one in 1386. According to results it's recommended that there should be suitable alternatives for retaining CB status in football league like setting special regulation for player's transportation so football industry could take advantage from revenue making and attracting sponsors.

Keywords: Sport economic, Competitive balance, Iran's football pro league, Uncertainty.